اعوذ بالله من الشیطن الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

جادوی شیاطین (قسمت ۲۲۲)

اژدها (۳)

ریاضیات معنوی (۱)

بن بست تمدنی

قرآن کتاب خارق العاده و عجیبی است. وقتی سیر تکامل اعداد را در آن نگاه می کنیم، پی به مراحل پیشرفت ریاضیات هم می بریم. ابتدا از ۶ مرحله خلقت صحبت می فرماید. این ثابت می کند که بشر اولیه عدد شش را میشناخت و آن را بکار می برد. به همین خاطر است که در زمانهای قدیم عدد شش به عنوان واحد شمارش وسائل استفاده می شد. وقتی با یک دست می توانستند شش چیز را بردارند، در نتیجه آن را یک دست نامیدند. هنوز

هم برای واحد شمارش وسائل خانگی که خیلی با دست سر و کار دارد، از این واحد استفاده می شود.

بعدا در زمان پیامبر نوح، نوح به مردم گفت که آسمان ها هفت طبقه است و عدد هفت را مطرح کرد. همچنین نوح هفت قانون را برای مردم آن زمان مطرح کرد. هفت قانون زمان نوح:

۱- **ممنوعیت بت‌پرستی: بت نپرستید**
۲- **ممنوعیت کشتن: خون کسی را به ناحق بر زمین مریزید، خودکشی نکنید و فرزندان خود را نکشید و قربانی نکنید.**
۳- **ممنوعیت زنا: زنا مکنید.**
۴- **ممنوعیت قسم ناروا: سوگند ناروا نخورید و تهمت نزنید.**
۵- **گوشت حیوان زنده را نخورید**
۶- **عدل و داوری را برپا سازید.**
۷- **تشکیل دادگاه شرعی. برای نظارت بر انجام شش فرمان مورد اشاره.**

بعدا در زمان پیامبر هود، مردم پیشرفت کرده بودند و با عدد هشت آشنا شده بودند. خدای بزرگ یک تندباد بنیان‌کن را هفت شب و هشت روز پی در پی بر آنها مسلّط ساخت. هفت ابداع قوم نوح (قوم قبلی) و هشت ابداع خودشان بود. هر گونه پیشرفتی نشان از وجود پیام خدا در میان مردم بوده است. قوم عاد با عدد هشت آشنا بودند، اما وقتی پیام هود را نپذیرفتند،

گرفتار همین پیشرفت خود شدند. خدا به آنها هشت روز و یا هشت مرحله فرصت داد.

سَخَّرَهَا عَلَيْهِم سَبْع لَيَال وَ ثَمَانِيَة أَيَّام حُسُومَاً فَتَرَي الْقَوْم فِيهَا صَرْعَي كَأَنَّهُمْ أَعْجَازُ نَخْل خَاوِيَة (حاقه: ۷)

(خدا) این تندباد بنیان‌کن را هفت شب و هشت روز پی در پی بر آنها مسلّط ساخت، (و اگر آنجا بودی) می‌دیدی که آن قوم همچون تنه‌های پوسیده و تو خالی درختان نخل در میان این تند باد روی زمین افتاده و هلاك شده‌اند! (۷)

بعد از هود و نابودی تمدن عاد، مردم پیشرفت کردند و عدد نه را بدست آوردند. قوم ثمود بعد از قوم عاد بودند. ثمود درمیان خود به نه گروه تقسیم شده بودند. این نشان میدهد که آنها با عدد نه آشنا شده بودند. در نهایت آنها از این پیشرفت سوء استفاده کرده و این نه گروه تصمیم می گیرند که صالح و مومنان را نابود کنند.

وَ كَان فِي الْمَدِينَة تِسْعَة رَهْط يُفْسِدُون فِي الْأَرْض وَ لاَ يُصْلِحُون (نمل: ٤٨)

و در آن شهر، نه گروهك بودند که در زمین فساد می‌کردند و اصلاح نمی‌کردند.

گروههای فاسد از پیشرفتهای علمی، فقط در جهت منفی استفاده می کنند. عدد نه آخرین عدد تک رقمی است و قوم ثمود از نظر ریاضی به بن بست خورده بودند. آنها در عدد نه متوقف شده بودند و قادر به نوشتن اعداد ده دهی نبودند. یک تحول بزرگ می توانست آن تمدن را از این بن بست نجات دهد. اما خدا این توفیق را به آنها نداد. قوم ثمود به حالتی رسیده بودند که بیشتر از این نمی توانستند پیشرفت کنند.

هر امتی و تمدنی یک اجلی دارد و با آمدن آن اجل، دیگر یک ساعت نمی تواند به طول عمر خود اضافه کند. گاهی یک ایدئولوژی و یا یک تمدن به بن بست می رسد و در آن حالت باید دست از زیاده خواهی بردارد و کنار رود و گرنه نابود میشود.

مَا تَسْبِقُ مِن أُمَّة أَجَلَهَا وَ مَا يَسْتَأْخِرُون (حجر: ۵)

هیچ گروهی از اجل خود پیشی نمی‌گیرد و از آن عقب نخواهد افتاد! (۵)

بعضی از نشانه های بن بست یک تمدن که نشان از پایان یافتن اجل آن امت دارد:

۱. توقف و بن بست علمی

۲. توقف و بن بست ازدواج

۳. بن بست انرژی پاک

۴. بن بست تامین هزینه ها

۵. بن بست آموزشی

و ...

اما بعد از نابودی تمدن ثمود، پیروان پیامبر صالح (شرق و جنوب آسیا) پیشرفت زیادی به تمدن بشریت دادند و آن را از بن بست خارج کردند. آنها سیستم ده دهی را ایجاد کردند. آنها با اختراع رقم صفر، بزرگترین تحول ریاضی تمام قرون را بوجود آوردند.

وقتی صالح ناقه را به مردم معرفی کرد، به آنها گفت که آب باید بین آنها تقسیم شود. این اولین بار بود که مردم با مفهوم تقسیم و کسر آشنا شدند. آنها متوجه شدند که آب را باید بین خود و حیات وحش تقسیم کنند. به این طریق، مفهوم تقسیم از طریق یک معنویت وارد ریاضیات شد. خیلی از ابداعات و کشفیات مفید، از طریق معنویت کشف شده اند. گاهی مردم، پیشرفتهای علمی را از دین جدا می بینند و حتی اینها را کشفیات یک جامعه

بی دین بحساب می آورند. در حالی که تمام کشفیات جهان بدون معنویتی از طرف خدا اصلا امکان پذیر نیست. ممکن است جوامع بی دین آن را بیارایند و آن را تجاری سازی کنند و از آن طریق پول بدست آورند؛ اما اصل کشف از طریق یک معنویت بدست آمده است.

وقتی قوم ثمود به حرف پیامبر صالح گوش نکردند، خدا به او فرمود که شمارش معکوس را آغاز کند (فَارْتَقِبْهُم**). این برای اولین بار بود که مفهوم شمارش معکوس میان بشر مطرح شد.**

إِنَّا مُرْسِلُوا النَّاقَةِ فِتْنَةً لَهُم فَارْتَقِبْهُم وَاصْطَبِرْ (قمر: ۲۷)

ما «ناقه» را برای آزمایش آنها می‌فرستیم در انتظار پایان‌کار آنان باش و صبر کن!

شمارش معکوس و انتظار و صبر یک مفهوم معنوی هستند. به این طریق متوجه می شویم که تمام پیشرفتهای تاریخی و مهم بدست مومنان صورت گرفته است. پیامبر صالح به مومنان آن زمان، تعامل و حفظ حریم حیوانات و محیط زیست را یاد داد. حتی بعدا مومنان بازیهایی در این مورد اختراع کردند مثل شطرنج. آنها از اختراع این بازیها هدف داشتند و میخواستند از طریق این بازی ها، معنویت رعایت حقوق محیط زیست را به بچه ها و نسل آینده منتقل کنند.

بازی شطرنج دو ردیف دارد که ردیف جلو پیاده نظام است و ردیف پشتی حیوانات است. این به آن معناست که انسانها باید از حیات وحش و حیوانات و محیط زیست خود محافظت کنند و حتی در این زمینه باید پیش قدم شوند. یکی از مهره های شطرنج قلعه است که البته در اصل قلعه نبوده است بلکه این قلعه یک گراز بوده است. از آنجا که گراز فقط مستقیم حرکت میکند و نمی تواند گردنش را کج کند، حرکت این مهره هم فقط بطور مستقیم صورت می گیرد. در شطرنج آدمیان جلو حیوانات قرار می گیرند و از حیوانات محافظت می کنند. این معنویت درست و صحیح پشت بازی شطرنج است که پیروان پیامبر صالح اقدام به اختراع آن کردند.

در طبیعت هر حیوانی جایگاه ویژه خود را دارد. گراز باید باشد تا خوراک گرگ شود، که اگر گراز نباشد، گرگ به حیوانات اهلی حمله میکند و مردم ضرر می بینند. چرخه طبیعت باید رعایت شود و نباید دستکاری شود. مردم حیوان با ارزشی مثل فیل را بخاطر عاجش می کشند و تعادل طبیعت را به هم میزنند.

در قدیم ما از شاخه های نرم و باریک درختان که در حد نیم سانت قطر داشت، برای بافتن سبد استفاده می کردیم. زیرا نمی خواستیم درختها را ببریم و صندوق ها را از تنه درختان درست نمی کردیم. بلکه صندوقها را بصورت سبد می بافتیم. این یک نوع محافظت از طبیعت بود. درست کردن یک صندوق از تخته چوب خیلی راحت تر است. اما بافتن سبد زمان برتر

است. اولی از تنه درخت استفاده میکند ولی دومی از شاخ و برگ درخت. اولی درخت را از ریشه میکند و دومی به درخت آسیب نمی زند. وقتی سبد ببافید، یعنی در جهت حفظ حریم محیط زیست عمل کرده اید. این نوع فعالیت، یک فعالیت سازنده است.

چند سال پیش که کرونا آمد و بچه ها به مدرسه نمی رفتند و همه خانه نشین شده بودند. من خودم چندین بازی فکری برای بچه هایم درست کردم تا درخانه بازی کنند. یکی از این بازی ها اسمش شطرنج حیوانات بود. در این بازی دو نفره، هر کس هشت مهره دارد که حیوانات قوی، حیوانات ضعیف را شکست میدادند. فیل از همه قوی تر بود و بر شیر غلبه می کرد. شیر پلنگ را شکست میداد و پلنگ ببر را شکست میداد و باقی ماجرا (لینک معرفی بازی). این بازی در شرق آسیا شکل گرفته بود. این مفهوم را به بچه منتقل می کند که حیوانات و محیط زیست طبق چرخه و روند طبیعی خود باید عمل کنند و نباید آن را دستکاری کرد.

محیط زیست و حیات وحش در چرخه درست و صحیح قرار دارند و البته انسان این چرخه را به هم می زند. از آنجا که انسان به زمین تبعید شده است و از بهشت به زمین رانده شده است، جایگاه خاصی در این چرخه ندارد و اما خدا از انسان باهوش انتظار دارد که جایگاه واقعی خویش را در این چرخه پیدا کند. اگر این چرخه را رعایت نکند، خروجی او به نظام رحمانی ضربه میزند. انسان باید در جایگاهی در این چرخه قرار گیرد که

کمکی برای محیط زیست شود و نه نابود کننده آن. انسان بجای ریختن پلاستیک در طبیعت، باید آن را از طبیعت جمع آوری کند و محیط زیست پاکیزه ای داشته باشد. اگر محیط زیست برای حیات وحش نباشد، برای انسان هم نباید باشد. هیچ حیوانی به دیگری حمله نمی‌کند مگر برای بقا.

اینها نکات جالبی را برای ما ثابت میکنند. همیشه ابتدا پیشرفت معنوی بوجود می آید و بعد پیشرفت علمی حاصل میشود. این اهمیت معنویت را می رساند. مردم تا معنویت خود را ارتقا ندهند، قادر به کم کردن هزینه های خود نیستند. صالح با آوردن اژدها و تقسیم آب بین مردم و اژدها، میخواست به قوم ثمود بفهماند که با نصف آب فعلی هم میتوان زندگی کرد. این است که مفهوم کاهش هزینه ها را به مردم یاد داد. اما قوم ثمود نمی خواستند مفاهیم کاهش هزینه، کاهش اینپوتها را تجربه کنند. این نشان از خودخواهی و نفس طغیان گر آنان داشت. یکی از موانع بزرگ پیشرفتهای علمی، طغیان درونی انسانهاست. حتی طغیان درونی مانع پذیرش تغییرات مثبت علمی هم هست. معنویت می تواند به عنوان منبع و همچنین جهت دهنده پیشرفتهای علمی مهم مطرح باشد.

حتی بعدا انسان در جنگها، در آرایشهای نظامی، از حیوانات ایده گرفت. وقتی به محیط زیست اهمیت داده شود، همین محیط زیست الهام گر ایده های خوب هم خواهد شد. محیط زیست وفادار است. انسان به جای استفاده از محیط زیست به عنوان ابزار، باید از نقش و جایگاه او در طبیعت الگو

بگیرد. مثلا مردم بعدا بعضی چاقوها و ابزارهای جراحی را از روی دندان و پنجه و نیش حیوانات الگو گرفتند.

لانه موریانه ها نمونه بسیار خوبی برای طراحی سیستم تهویه طبیعی است. موریانه‌ها هوا را در لانه خود خنک نگه میدارند. انسان با دقت در محیط زیست متوجه شد که ببر برای پژواک‌گیری از غار، جایگاه خاصی را انتخاب می‌کند و این یک خاصیت علمی است و میتوان از آن استفاده کرد. مردم بعدا حرکات رزمی را از حیوانات الگو گرفتند. هنرهای رزمی کلا از حرکات حیوانات و محیط زیست شکل گرفته است.

حرکت مار : خزیدن و قفل کردن حریف

حرکت فیل: ضربات سنگین و پرتابی

حرکت ببر: جهش، چنگ زدن و غافلگیری

حرکت خروس: ضربات پی در پی با لبه دست

حرکت ماهی: فرار از گارد حریف

و ...

مردم زمان قدیم، با ردیابی مسیر مورچه ها، بهترین مکان‌های آب زیرزمینی را کشف می کردند. مورچه ها همیشه کوتاه‌ترین مسیر به آب را با فرمون علامت می‌زنند. این دانش منجر به کشف چاههای آب در روستاهای هند شد. مهاجرت پرندگان تقویم خوبی برای مردم بود. آنها دیدند که فیل هرگز عاج خود را برای تهدید فیل دیگر به کار نمی‌برد. ببر بدون گرسنگی حمله نمی‌کند. مار فقط در حین محاصره شدن نیش می‌زند.

پیام پیامبر صالح آنچنان تاثیری روی آن نسل گذاشت که بعدا از روی حیوانات، داستانهایی نوشته شد. نمونه آن کلیله و دمنه که یک کتاب نصیحت از زبان حیوانات بود. بعدا که تکنولوژی پیشرفت کرد، از روی این داستانها کارتن های زیادی ساخته شد. تمام این تحولات بخاطر ناقه ای بود که برای قوم ثمود فرستاده شد. ایده اصلی کارتن سازی از حیوانات داخل کتاب کلیله و دمنه شروع شد.

پیامبر صالح از نظر معنوی، بنیان گزار ریاضیاتی بود با نام ریاضیات معنوی. در این ریاضیات، تقسیم آب به صورت ۵۰-۵۰ ، طغیانهای درونی را می خواباند و نفس انسانها را آرام می کند. در این نوع ریاضیات اگر چه ۵۰ درصد از سهم شما کم می شود، ولی در عوض سود صدها برابری می بری. از نظر ریاضیات معنوی، معادلات جور دیگری است. در این نوع ریاضیات، نفس انسان یک مشت است، اما اگر رهایش کنید یک دشت است. وقتی طغیان نفس را بگیری، مثل چیزی که در مشتت است، نفس را در کنترل

خود داری؛ اما وقتی رهایش کنید، به اندازه یک دشت است و غیر قابل کنترل.

معجزه صالح ثابت کرد که می توان با ۵۰ درصد منابع هم زندگی کرد. اتفاقا اینطوری خیلی به صرفه تر است، تا که جلو طغیان نفس هم گرفته شود.

به این طریق یاد آیه مهم قرآن و زبور می افتیم که می فرمایند: زمین را صالحان به ارث می برند.

وَ لَقَدْ کَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّکْرِ أَن الْأَرْض یَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُون (انبیاء: ۱۰۵)

در «زبور» بعد از ذکر نوشتیم: بندگان شایسته‌ام وارث زمین خواهند شد!

این آیه به ما یادآوری میکند که تمام چیزها و یادگاری های خوب و نیک و مفید را صالحان بوجود آورده اند و آن را برای نسلهای آینده به یادگار گذاشته اند. به این طریق خیلی از روشهای مفید جهان را صالحان بنیان نهاده اند و ما داریم از آن استفاده می کنیم. ناقه صالح باعث شد که رعایت حریم حیوانات نسل به نسل منتقل شود و باعث اختراع بازی شطرنج شود. اکنون این بازی، دیگر فقط یک بازی نیست و بلکه کار به جایی کشیده است که فدراسیون دارد و مسابقات آن در سراسر جهان برگزار میشود.

باشگاه دارد و افراد زیادی مشغول بازی و رقابت در آن هستند و به زندگی انسانها وارد شده است. حالا متوجه می شویم که چرا صالحان زمین را به ارث می برند. اگر چه قوم ثمود، صالح و مومنان دیگر را تحت سیطره خویش قرار دادند و آنان را اذیت کردند، ولی حالا ما داریم می بینیم ایده های صالح و سایر مومنان در جامهای جهانی مطرح میشود و جهانگیر شده است. اما از قوم ثمود خبری نیست و برای همیشه به فراموشی سپرده شدند.

كَأَن لَّمْ يَغْنَوْاْ فِيهَآ ۗ أَلَآ إِنَّ ثَمُودَاْ كَفَرُواْ رَبَّهُمْ ۗ أَلَا بُعْدًا لِّثَمُودَ (هود:۶۸)

چنان که گویی در آن (دیار) نبوده‌اند، آگاه باشید که (قوم) ثمود به پروردگارشان کفر می ورزیدند، هان! بر (قوم) ثمود دوری (و فراموشی) باد.

در آیه دیگری، خدای بزرگ از انبیا و صدیقین و شهداء و صالحین صحبت میفرماید. در نزدیکیهای آخر الزمان، سه گروه اصلی خیلی کم میشوند. انبیا که در زمان پیامبر محمد تمام شد. پیامبر محمد آخرین نبی بود و دیگر هیچ نبی ای بعد از او نخواهد آمد. صدیقین هم خیلی کم شده اند و انگشت شمار و در این دنیا بعضی مواقع جامعه شما را به دروغگوئی وادار میکند. شهداء هم یعنی کسانی که در راه خدا شهادت میدهند که این گروه هم

خیلی کم شده اند. در نهایت همان صالحان می مانند، زیرا که کار و بار دنیا فقط از طریق صلح جور میشود.

وَ مَنْ يُطِعِ اللهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَ حَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقاً (نساء: ۶۹)

و کسی که خدا و پیامبر را اطاعت کند، (در روز رستاخیز،) همنشین کسانی خواهد بود که خدا، نعمت خود را بر آنان تمام کرده از پیامبران و صدّیقان و شهدا و صالحان و آنها رفیقهای خوبی هستند) !۶۹(

صالح نه تنها اسم یک پیامبر بود، بلکه صفت تمام کسانی است که روش او را ادامه میدهند. صالحین در جهان می مانند و غیرصالحین در زمین جایی ندارند و می آیند و می روند.

بشر حالا هر ساله تلفنهای همراه جدیدی را بیرون میدهد و البته تغییرات آن چنانی نکرده است. حتی گاهی فقط خریداران و کسانی که نسخه قبلی را داشته اند، این تغییرات و آپدیتها را متوجه می شوند. البته اینها فقط پیشرفتهای تجاری است و به معنای پیشرفت علم نیست. اکنون پیشرفت

علم قطره چکانی شده است. این ثابت میکند که انسان گاهی به نقطه ای می رسد که دیگر چیزی برای ارائه ندارد و در این حالت یک پیام الهی میتواند راهگشا باشد و آن را از حالت بن بست خارج کند. انسان اکنون در زمینه انرژی و منابع انرژی پاک به بن بست رسیده است و نیاز است که تحول بزرگی در این زمینه بوجود آید. این تحول بزرگ فقط در راستای پذیرش معنویتهای قرآنی بدست میاید و لاغیر.